

راهبردهای امت اسلامی برای مقابله با نظام سلطه از دیدگاه امام خمینی علیه السلام

سید اصغر جعفری*

چکیده

ساختار نظام جهانی در واقع تسلط ظالم بر مظلوم و یک رابطه ظالمانه و غیرانسانی است. سلطه‌گر در این نظام به دنبال تأمین منافع خویش از طریق چپاول کردن ثروت بومی و منابع تحت سلطه است و به غیر از این نیز راضی نمی‌شود. امام خمینی علیه السلام با شناخت چهره واقعی نظام سلطه، امت اسلامی را با فریاد بیدار باش به هوشیاری در برابر نظام سلطه فرا خواند و با ارائه راهبردهایی آنها را به مقابله با سلطه‌گران دعوت کردند. این پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی به این پرسش، پاسخ خواهد داد که امام خمینی علیه السلام چه راهبردهایی را برای امت اسلامی، جهت مقابله با نظام سلطه بیان کرده است؟ چهار راهبرد معنوی، سیاسی و اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و دفاعی و یازده شاخص به‌عنوان مهم‌ترین پاسخ این پرسش است که امت اسلامی می‌تواند با اتکا و اهتمام به آن زندگی شرافتمندانه و عزتمندانه داشته باشند.

واژگان کلیدی

امام خمینی، انقلاب اسلامی، امت اسلامی، نظام سلطه، استکبارستیزی.

طرح مسئله

سلطه^۱ در لغت به معنای «قدرت از روی قهر» گفته می‌شود و در فرهنگ سیاسی به معنای استعمار^۲ و در زبان قرآنی به معنای استکبار^۳ به کار می‌رود و در اصطلاح عبارت از تسلط سیاسی و یا اقتصادی کشوری بر روی کشورهای دیگر می‌باشد. هر چند که در حقوق بین‌الملل، اصل بر تساوی حاکمیت دولت‌ها و این حقوق مبتنی بر احترام متقابل^۴ و عدم مداخله کشورها در امور داخلی یکدیگر است؛^۵ اما واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی، حکایت از وجود قدرت‌های امپریالیستی و سلطه‌های گوناگون می‌کند که به صورت اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و عقیدتی ظاهر می‌شود. (هاشمی، ۱۳۷۴: ۱۰۳ - ۱۰۱)

سلطه‌گران به بهانه آبادانی سرزمین‌های دیگر و با عنوان پیام‌آوران تمدن، حامیان پیشرفت و توسعه اقتصادی، اعطاکنندگان حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی ملت‌های مظلوم را مورد استثمار و استعمار خود قرار داده‌اند و ضمن انهدام ثروت‌های بومی و به اطاعت درآوردن اجباری مردمان آن دیار، بهره‌برداری از امکانات فراوان مادی و طبیعی و نیروی انسانی ارزان سرزمین‌های تحت سلطه را جزء اهداف خود قرار دادند و تا آنجا که توانستند، با استفاده از حکومت‌های دست‌نشانده و عمال داخلی آن نسبت به تحکیم مواضع سلطه‌گری خود اقدام کرده‌اند. علاوه بر اینکه روح انسان‌ها را نیز در سلطه نظام‌های شیطنی و دیکتاتوری خویش در جهت گرایش و توجه دادن به سمت بی‌بندوباری و سرگرم کردن در مراکز فساد گرفتار کرده بودند تا از آن طریق قوه تفکر کشور مورد هدف را تخریب کرده و نتوانند در مقابل آنها قد علم کنند.

امام خمینی به عنوان بزرگ‌ترین احیاگر تفکر و ارزش‌های اسلامی از قرن ۱۹ میلادی تا زمان آغاز نهضت در ایران (محمدی، ۱۳۸۶: ۲۵) که با این خصلت استکباری سلطه‌گران آشنا بود، با الهام از اندیشه قرآنی (نساء / ۱۴۱ و منافقون / ۸) با خوی استکباری و روح مداخله‌جویانه نظام سلطه به مبارزه برخاسته و هرگز حاضر نشدند، ذره‌ای از اصول و اعتقادات خویش عقب‌نشینی کنند. این روحیه استکبارستیزی ایشان سبب گردید تا نظام اسلامی ایران قریب به چهار دهه، ثابت و استوار در عرصه بین‌المللی حضوری پایدار و اثربخش داشته باشد.

پژوهش حاضر به شیوه توصیفی - تحلیلی و با هدف تبیین راهبردهای امت اسلامی برای مقابله با نظام سلطه از دیدگاه‌های حضرت امام، به این سؤالات پاسخ خواهد داد که چرا انقلاب اسلامی موفقیت

1. Dominance (Domination).
2. Colonialism.
3. Arrogance.

۴. مواد ۱ (۲) و ۲ (۱) منشور ملل متحد.
۵. ماده سوم اعلامیه ۲۴ اکتبر ۱۹۷۰ سازمان ملل متحد.

نظام سلطه را به چالش کشید و در این راستا امام خمینی چه راهبردهایی را برای امت اسلامی برای مقابله با نظام سلطه بیان کردند؟ اهمیت تبیین این موضوع به این دلیل است که اندیشه‌های حضرت امام صرفاً معطوف به مقطعی خاص و یا منحصر به جامعه ایرانی و حتی اسلامی نبوده، بلکه آموزه‌هایی برای تمام بشریت است که هرگز رنگ کهنگی به خود نگرفته و همواره چراغ راهی روشن و هدایتگر است که هر ملتی از آن بهره گیرد، می‌تواند به آرمان‌هایش دست یابد.

۱. شناخت نظام سلطه

یک. مفهوم نظام سلطه

مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای (مدظله العالی) در تعریف «نظام سلطه»^۱ فرمودند:

نظام سلطه، یعنی نظامی که بر پایه رابطه سلطه‌گر و سلطه‌پذیر بنا شده؛ یعنی کشورهای دنیا یا مجموعه‌های بشری دنیا، تقسیم می‌شوند به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر؛ آن اتفاقی که امروز در دنیا افتاده (این است)؛ یک عده‌ای سلطه‌گرند، یک عده سلطه‌پذیرند. (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۴/۰۴/۲۰)

یا اینکه:

نظام سلطه، یعنی اینکه چند قدرت دست یافته به توانایی مادی و سلاح و پول و امثال اینها بخواهند بر دنیا حکومت کنند؛ مظهر نظام سلطه هم امروز آمریکا است. (بیانات در دیدار مردم آذربایجان، ۱۳۹۲/۱۱/۲۸)

بنابراین، «نظام سلطه» به سیستم و مجموعه‌ای از دولت‌ها اطلاق می‌شود که با شیوه سلطه‌جویی سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی بر دیگر کشورها، حقوق و منافع آنان را نادیده گرفته و منافع خود را ترجیح می‌دهند. هدف نظام سلطه این است که از طریق ایدئولوژی حاکم، و ترجیح منافع، بر مداخله در امور دیگر کشورها حقانیت داده شود. (علی‌بابایی، ۱۳۸۸: ۳۴۳) حلقه اول نظام سلطه، دولت ایالات متحده آمریکا است. حلقه دوم نظام سلطه، دولت‌های عضو اتحادیه اروپا به‌ویژه دولت‌های انگلیس و فرانسه که قدرت‌های صاحب حق و تو می‌باشند و تا حدودی آلمان، قرار گرفته‌اند. در حلقه بعدی، دولت‌های توسعه یافته و غیرغربی همچون روسیه، ژاپن و چین قرار دارند. حلقه آخر نظام سلطه، دولت‌های وابسته و تحت نفوذ در میان کشورهای در حال رشد هستند که دوام و بقای خود را در پشتیبانی و حمایت از نظام سلطه می‌بینند و به‌عنوان مهره‌های نظام سلطه، عمل می‌کنند. (محمدی، ۱۳۸۷: ۵۳ - ۵۲)

1. Domination System.

دو. روند تاریخی نظام سلطه

ساختار نظام جهانی در واقع تسلط ظالم بر مظلوم در تمام ابعاد آن اعم از اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی و اجتماعی می‌باشد که یک رابطه ظالمانه، غیرانسانی و بی‌حساب و کتاب است. سلطه‌گر در این نظام به دنبال تأمین منافع و عایدات خود از طریق به یغما بردن تمامی امکانات و ثروت بومی و منابع تحت سلطه است و به غیر از این نیز راضی نمی‌شود. اگرچه ممکن است چهره شیطانی خود را در زیر نقابی از واژه‌ها و اصطلاحات علمی همچون اعطای کمک‌های خارجی، صدور سرمایه، دفاع از حقوق انسانی و حقوق بشر و مبارزه با تروریسم مخفی نگه دارد، لکن مقصود اصلی آن است تا از طریق آن بهتر بتواند اعمال خود را توجیه نموده و ادامه حیات خویش را در کشورهای ضعیف و عقب‌مانده استحکام بخشیده و مشروعیت دهد. (جعفری، ۱۳۹۵ (الف): ۹۵) به دیگر سخن، نظام سلطه، به‌عنوان بازیگر اصلی در نظام بین‌الملل، تلاش دارد با استفاده از ابزارهای گوناگون نظامی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی بر دیگران تأثیر گذاشته و با به‌دست آوردن اطاعتی که اصولاً دیگران در برابر او بدان موظف‌اند، بتواند قواعد بازی نظام ناعادلانه و ظالمانه خود را حفظ کند.

شاید بتوان گفت از زمانی که اروپاییان بر کشتی‌های راهزنی خود سوار شده در سودای یافتن سرزمین‌های قابل چپاول، پهنه دریاها را درنوردیدند، روند صعودی نابودی بشر را آغاز کردند. زیرا دزدان دریایی با استفاده از «فرمان تقسیم»^۱ که توسط پاپ در سال ۱۴۹۳ میلادی صادر شد، همچون ماسکی بر چهره تحت عنوان اشاعه دین مسیح و به‌عنوان به اصطلاح «پیام‌آوران تمدن» هجوم خود را به تمدن‌های درخشان موجود آغاز کردند. آنها در طی چندین قرن توانسته‌اند، نه تنها چهره کریه شیطانی خود را در زیر نقابی از واژه‌های به‌اصطلاح علمی مخفی کنند، بلکه با توسل به آن واژه‌ها ضمن توجیه اعمال خود، زمینه حضور و ادامه حیات خویش را نیز فراهم سازند. آنها با تغییر تدریجی اوضاع سیاسی و اقتصادی جهان این اصطلاحات را نیز تغییر داده‌اند تا از یک طرف رابطه سلطه را تنظیم کنند و از سوی دیگر توجیه کننده اعمال سلطه‌گر باشند، از جمله آن اصطلاحات عبارتند از: کمک‌های خارجی، صدور تکنولوژی، عقب‌ماندگی ... (الهی، ۱۳۶۷: ۳ - ۲)

به اختصار روند تاریخی نظام سلطه را می‌توان به‌صورت زیر دسته بندی کرد:

۱. دوره استعمار قدرت‌های اروپایی بر ملت‌ها و سرزمین‌هایی در آفریقا، آسیا و آمریکا تا اواسط

قرن بیستم؛

۱. پاپ در فرمان تقسیم (Inter Coetera) در سال ۱۴۹۳ م. شرق را به هلند و غرب (قاره آمریکا) را به اسپانیا واگذار کرد. دزدان دریایی تحت عنوان سیاح، کاشف، جهانگرد، تاجر و ... به آسیا و آمریکا سرازیر شدند.

۲. دوره منازعه سلطه‌گران به شکل جنگ و رقابت علنی در نیمه نخست قرن بیستم (شاخص عمده آن، جنگ‌های اول و دوم جهانی)؛

۳. دوره استعمار نوین و سلطه نامرئی در قالب نفوذ در کشورها و به‌ویژه نفوذ در مناطق حساس ژئوپلیتیکی که با دوره جنگ سرد اول و نیمه دوم قرن بیستم انطباق داشت،

۴. دوره سلطه جهانی و قلمروهای کلان که پدیده‌ای مربوط به پایان قرن بیستم و پس از فروپاشی دوره جنگ سرد کلاسیک است. در این دوره، سلطه‌گری صرفاً پدیده‌ای نظامی و اقتصادی تلقی نمی‌شود، بلکه تمام اشکال انقیاد را در بر می‌گیرد. دوره سلطه فرانکو، به جهانی‌سازی نیز مشهور است که در فضای بدون رقیب و مبتنی بر ابزار قدرت اقتصادی و فناوری اطلاعاتی و رسانه‌ای رخ داده و هویت و زندگی کشورهای ضعیف در حال توسعه را تحت تأثیر قرار داده است. (رحمتی، ۱۳۹۴: ۵۹)

سه. اهداف نظام سلطه

مهم‌ترین اهداف نظام سلطه عبارتند از:



شکل شماره ۱: اهداف نظام سلطه

الف) اهداف سیاسی

اهداف سیاسی نظام سلطه، از تربیت مدیران و سیاست‌مداران وابسته گرفته تا تأسیس پایگاه‌های نظامی در سراسر جهان و ایجاد درگیری‌های منطقه‌ای یا وجود کانون‌های بحران برای ادامه حضور نظام سلطه را در بر می‌گیرد. همچنین این نظام برای رسیدن به خواسته‌های خود، رژیم‌های انقلابی - مردمی و نیز رژیم‌های مخل سلطه را سرنگون می‌کند. اگر نظام سلطه در رسیدن به مطامع نظامی خود ناکام بماند، از دخالت و حضور مستقیم نظامی هیچ ابایی ندارد. اشغال گرانادا، پاناما، عراق، افغانستان و حمایت از گروه‌های تکفیری در سوریه، یمن و مانند آن، نمونه‌هایی از این بی‌پروایی و گستاخی است.

ب) اهداف اقتصادی

اهداف اقتصادی، از غارت و چپاول ثروت‌های «جهان سوم» گرفته تا تک‌محصولی کردن اقتصاد

کشورهای تحت سلطه را شامل می‌شود. در واقع نظام تولید تک‌محصولی با روی کار آمدن سیاست‌مداران وابسته گسترش می‌یابد و اقتصاد ملی کشور تحت سلطه را به کشور سلطه‌جو وابسته می‌کند.

ج) اهداف فرهنگی

اهداف فرهنگی نظام سلطه نیز نفی ارزش‌های فرهنگی و معتقدات ملی کشورها و نیز ترویج و اشاعه فساد است. (همان)

۲. علل مقابله حضرت امام با نظام سلطه

برخی از علل و عواملی که سبب شد حضرت امام با نظام سلطه و استکبار جهانی که در چهره آمریکا متجلی است، به مقابله برخیزند، عبارتند از:



شکل شماره ۲: علل مقابله حضرت امام با نظام سلطه

یک. تهاجم به اسلام

وجود ویژگی‌های ممتاز در مکتب حیات‌بخش اسلام همچون اصل عزت و عظمت و کرامت داشتن انسان‌ها، عدم سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، عدالت اجتماعی، استقلال و آزادی سبب شد، ابرقدرت‌ها از همان ابتدای حرکت اسلامی در ایران با آن به مبارزه برخیزند و نگذارند این مکتب حیات‌بخش که ریشه در اعتقادات مردمی داشته پا بگیرد و لذا تلاش کردند تا نهضت اسلامی امام خمینی در این کشور به تحقق نپیوندد، (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۵ / ۸۴) چراکه اسلام‌خواهی امام با روح استکباری که براساس برتری‌طلبی و

رشد و گسترش، آن هم بر مبنای زیاده‌طلبی استوار است، در تعارض بود. به همین دلیل استکبار با استفاده از عوامل و ایادی خود کوشش کرده و می‌کند تا «با سمپاشی‌ها و مشوب ساختن اذهان و افکار جوانان، از جلوه‌گر شدن چهره تابناک اسلام جلوگیری نمایند». (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۲ / ۴۳۷)

دو. مانع در برابر پیشرفت

کسانی که اندک تفکری در اوضاع کشورهای اسلامی بنمایند به وضوح خواهند دانست که آنچه دو ابرقدرت جهان و قدرت‌های تابع این قدرت‌ها با هم اتفاق دارند - و هیچ‌گاه از این اتفاق دست بردار نیستند - عقب نگه داشتن کشورهای جهان سوم، خصوصاً کشورهای پهناور و غنی اسلامی، در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی است، و تحمیل جهات استعماری در تمامی امور مذکوره بر جهان سوم می‌باشد. و برای این مقصد، که در نظر آنان بسیار دارای اهمیت است، زحمتهای متحمل شدند و وقت‌ها و پول‌های بسیاری صرف نموده‌اند و می‌نمایند. (همان: ۱۹ / ۲۰۳) چراکه آگاهی و دانایی ملت‌ها مانع اصلی در مقابل نظام سلطه خواهد بود، از این رو، آنها می‌کوشند در مقابل هرگونه پیشرفت و توسعه در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی مانع ایجاد کنند تا پیشرفت در این کشورها صورت نگیرد. (امام خمینی، ۱۳۷۳: ۱۲)

سه. مانع در برابر استقلال و آزادی

استقلال^۱ حالت کشوری را گویند که زمامداران آن به هیچ‌وجه تابع زمامداران دیگر کشورها نباشند و آزادی^۲ عبارت است از حقی که به موجب آن افراد بتوانند استعدادها و توانایی‌های طبیعی و خدادادی خود را به کار اندازند. امام راحل از همان مراحل اول شکل‌گیری انقلاب، عامل همه بدبختی ملل اسلامی و مستضعف را عدم برخورداری از نعمت آزادی و استقلال معرفی نموده و استکبار را مانع تحقق یافتن این دو ودیعه الهی برای بشر به‌شمار آورده‌اند:

رشد و استقلال و آزادی با وجود دخالت اجنبی از هر جنس و مسلک و مکتب، در هر امری از امور کشور، اعم از سیاسی و فرهنگی، اقتصادی و نظامی، خواب و خیالی بیش نیست ... زیرا اگر دخالت اجانب خصوصاً آمریکا، شوروی و انگلیس وجود داشته باشد، هر رژیمی که روی کار بیاید تنها آلتی خواهد بود برای عقب نگه‌داشتن ملت و ادامه بدبختی‌ها و محرومیت‌ها از یک طرف و چپاول‌گری‌ها و قلدری از طرف دیگر. (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۳ / ۴۸۵)

1. Independence.
2. Freedom.

بی‌تردید استقلال داشتن یک کشور، به معنای نفی ارتباط با دیگر کشورها و یا به عبارتی انزواگرایی نیست، بلکه برعکس همان طوری که بشر برای بقا و اعتلا زندگی و رفع احتیاجات ناچار است با محیط اطرافش ارتباط برقرار کند، بالطبع واحدهای سیاسی نیز برای بقا و ادامه حیات و رفع حوائج خود ناچار به برقراری رابطه با یکدیگر هستند. اما شرط اصلی و مهم در ایجاد ارتباط و دوستی با دولت‌ها، «روابط حسنه، احترام متقابل، عدم تحمیل ظلم و سلطه جویی» (همان: ۱۱ / ۱۵۳) است.

چهار. اشاعه‌دهنده ضدارزش‌ها

ضدارزش‌ها عبارت از راحت‌طلبی، جاه‌طلبی، پیروی از امیال نفسانی، رشوه‌خواری، سازش‌پذیری و ... است. این صفات، دل را به جهت اشتغال به امور مادی و شهوانی از خدا محجوب و از یاد او غافل می‌گرداند. انسانی که اسیر شهوات و هواهای دل شد، دیگر احکام و مقررات اسلام و قوانین اجتماعی برایش معنا و مفهومی ندارد. شیطان و هوای نفس پیوسته انسان را وسوسه و تحریک می‌کند و او را وادار به انجام اعمالی می‌نماید که برخلاف عقل و مصلحت است. وسوسه‌های شیطانی سبب می‌شود که انسان در مقابل حق و عدالت بایستد و آن را وارونه جلوه دهد، و یا آن را نادیده بگیرد.

امام راحل با هشدار مبنی بر اینکه:

برنامه‌های فرهنگی و هنری که نظام سلطه درست کرده است، همه استعماری بود تا از آن طریق بتوانند جوانان را یک جوان‌هایی بار بیاورند که به درد آنها بخورند، نه به درد مملکت خودشان، و در مقابل این استفاده جوهای خارجی نتوانند کاری بکنند، یعنی بی‌تفاوت نسبت به آنها باشند. (امام خمینی، ۱۳۷۳: ۵۹)

در کوران مبارزه، با شناخت این ترفند کارساز دشمن، نقشه شوم شیطانی آنان را برملاء ساخته و آگاهانه به مقابله با این آفت بزرگ برآمده و با انتشار کتاب «جهاد اکبر و مبارزه با نفس»، پیروی از فضایل انسانی را مهم‌ترین عامل در مبارزه با ضدارزش‌ها برشمردند.

پنج. حامی تروریسم

واژه تروریسم^۱ از فعل «ترور» مشتق شده است که در لغت به معنی «ایجاد رعب و هراس در بین مردم» و یا «مرعوب ساختن دیگران» می‌باشد. (عبداللهی و کیهانلو، ۱۳۸۴: ۶) فرهنگ آکسفورد ترور را «وحشت فزاینده؛ یک شخص یا چیزی که وحشت فزاینده‌ای تولید کند» (Oxford Advanced Learners)

1. Terrorism.

(Dicionary, 1997: 1233)، یاد کرده و ذیل این تعریف، در تعریف تروریسم چنین آورده است: «تروریسم: توسل به خشونت برای اهداف سیاسی یا اجبار حکومت به انجام فعل یا ترک فعل، از طریق تولید وحشت در بین مردم است.» (Oxford Advanced Learners Dicionary, 1997: 1233) تروریسم از نظر جوزف نای - اندیشمند و نظریه‌پرداز در حوزه روابط بین‌الملل - عبارت از یک حمله آگاهانه و عمومی علیه انسان‌های بی‌گناه با هدف ایجاد رعب و وحشت است. (Joseph, 2004: 206)

یکی از بزرگ‌ترین خصایص نظام سلطه به سرکردگی آمریکا، اتکا آن به عنصر تروریسم است.^۱ زیرا:

آمریکا دشمن شماره یک مردم محروم و مستضعف جهان است و برای سیطره سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی خویش بر جهان زیر سلطه، از هیچ جنایتی خودداری نمی‌نماید ... او با ایادی مرموز و خیانتکارش، چنان خون مردم بی‌پناه را می‌مکد که گویی در جهان هیچ‌کس جز او و اقمارش حق حیات ندارند. (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۱۳ / ۲۱۳)

درواقع، نظام سلطه مسائل خود را با اتکای به منطق و گفتگو دنبال نمی‌کند، بلکه همواره برای رسیدن به مطامع سیاسی خود از ابزارهایی مانند زور و ترور استفاده می‌نماید. نظام سلطه با بهره‌گیری از این ابزار می‌کوشید تا از یک طرف «شخصیت‌های دینی و سیاسی را از میان بردارد و از طرف دیگر فرهنگ اسلام آمریکایی را نفوذ و گسترش دهد». (همان: ۲۱ / ۸) به همین دلیل حضرت امام با آن سرستیز داشت.

۳. راهبردهای مقابله با نظام سلطه

امام راحل همان‌گونه که رسالت اصلی خویش را اعتلاء عزت اسلام و مسلمانان و هدم نظام سلطه اعلام داشته‌اند، برای امت اسلامی راهبردها و مسیر رسیدن به آن هدف و رسالت را نیز مشخص و معین کردند که برخی از آنها را به شرح زیر می‌توان نام برد:

۱. راهبردهای معنوی

الف) ایمان به خدا

ایمان، رابطه محکم نیروی درونی است که انسان با معبود خود برقرار می‌سازد تا آنچه را که موجب

۱. جمهوری اسلامی ایران از آغاز روزهای پیروزی انقلاب تاکنون از ناحیه تروریسم و اقدامات تروریستی لطمات و ضربات جبران‌ناپذیری را متحمل شده است. ترور شهید مطهری، شهید مفتاح، شهید رجایی و شهید باهنر، شهید بهشتی و ۷۲ نفر از مسئولان نظام، اقدامات گروهک منافقین در دهه ۶۰ و به شهادت رساندن هزاران انسان بی‌گناه از رجال سیاسی و مذهبی گرفته تا مردم بی‌دفاع کشور، و همچنین ترور دانشمندان هسته‌ای دکتر شهبازی، دکتر علی محمدی، مهندس احمدی روشن و مهندس رضایی‌نژاد، نمونه‌هایی از اقدامات تروریستی است که با حمایت استکبار جهانی توسط مزدورانش اجرا شد.

رضایت خداوند منان است به آن دست یابد. تمام اعمال نیکو و شایسته انسان از ایمان و اعتقاد آگاهانه که در اعماق روح و جان انسان نفوذ کرده نشئت می‌گیرد، هر قدر ایمان و اعتقاد انسان به خداوند تبارک و تعالی قوی‌تر و کامل‌تر باشد، اثرات بیشتری در انجام اعمال مناسب و نیک از او بر جای خواهد ماند. برعکس اگر باورها و اعتقادات در انسان سست و ضعیف شود، قدرت و اعتمادبه‌نفس در او کاهش می‌یابد و در نتیجه در برابر هرگونه خواسته‌های شیطانی تسلیم می‌شود. بنابراین، ایمان و معنویت منشأ قدرت غلبه بر سلطه‌گران است:

آن قدرت طاغوتی و بزرگ که مجهز به همه سلاح‌های مدرن بود و پشت سر او هم تمام قوای مادی و تمام ابر قدرت‌ها بود و از او حمایت می‌کردند و البته آمریکا بیشتر حمایت می‌کرد، با این حال با همه قدرت‌ها نتوانستند این قدرت ایمان را که در کشور ما و در ملت ما پیدا شد از بین ببرند و نتوانستند خود و منافع خود را حفظ کنند ... بنا بر حساب‌هایی که مادیون می‌کردند امکان نداشت یک قدرتی به آن بزرگی که همه قوا دنبال آن بود و حتی حکومت‌های به اصطلاح اسلامی پشت سر او ایستاده بودند، شکست بخورد ... ابر قدرت‌ها مثل آمریکا، شوروی، چین، انگلستان، اینها همه پشتیبان قدرت طاغوتی بودند ... اما ملت ما با قدرت پیش رفت. آیا در آن وقت ملت تفنگ داشت؟ مسلسل داشت؟ تانک داشت؟ توپ داشت؟ هیچ نداشت، لکن یک چیز دیگر بود و آن معنویات و ایمان به خدا بود. (همان: ۲۲۳ / ۸)

ب) توکل به خدا

توکل، واگذار نمودن تمام امورات به صاحب آن و اعتماد نمودن (بر) وکالت او است. (امام خمینی، ۱۳۷۴: ۲۱۷) زمانی که انسان در حصول به یک هدف یا مقصد دچار مشکل می‌گردد و راه را باز نمی‌یابد، لاجرم می‌بایستی به کسی یا چیزی که اعتماد به او دارد، تکیه نماید تا به سر منزل مقصود برسد. در اسلام این فاعل و این تکیه‌گاه، خداوند متعال است که فرد با ایمان دست نیاز و تضرع به سوی او دراز می‌کند و با اصرار به عجز و ناتوانی در رسیدن به مقصد خود از او مدد می‌جوید.

بی‌شک توکل به خدا، موجب قوت قلب، تقویت اعتمادبه‌نفس، صبر و استقامت در برابر مصائب و محنت‌ها و موفقیت در تمامی عرصه‌ها می‌شود. (طلاق / ۳) چنان که حضرت امام به تاریخ ۱۳۵۸/۱/۱۷ در جمع گروهی از مردم فلسطین، لیبی، عراق و مصر، مهم‌ترین عامل غلبه در برابر قدرت‌ها را توکل به خدا نام برده و فرمودند:

ما به قدرت طبیعی بر این مشاغل و بر این مصیبت‌هایی که وارد شده است، فائق نیامده‌ایم،

برای اینکه قدرت ما به حسب طبیعت یک قدرت بسیار ناچیز بود در مقابل قدرت‌های بسیار بزرگ، مثل قدرت آمریکا و قدرت شاه سابق، با آن ابزاری که اینها در دست داشتند. ما به اینها که غلبه کردیم، ملت ما که در این نهضت پیروز شد، این فقط برای اتکال به خدا بود. (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۶ / ۵۰۲)

ج) تولی و تبری

خداوند در آیاتی از قرآن مجید به صراحت به «تولی» به معنای دوست داشتن و «تبری» به معنای بیزاری جستن و تنفر حکم می‌دهد. این دو از فروع دین اسلام است و هر مسلمانی باید با اهل حق دوستی کند و از اهل باطل بیزاری بجوید. تجلی تولی، در دوست داشتن اهل بیت علیهم السلام (شوری / ۲۳) و دوستی مؤمنان با یکدیگر (توبه / ۷۱) و نشانه تبری، بیزاری جستن از دشمنان خدا (ممتحنه / ۱۳، آل عمران / ۲۸ و مجادله / ۲۲) می‌باشد. درواقع، تبری جستن به مانند سیستم دفاعی بدن است که مانع رشد میکروب‌ها می‌شود.

حضرت امام با عبارتی چون «روابط برادرانه با کشورهای اسلامی، روابط خصمانه با کشورهای متخاصم و سلطه‌طلب، برائت از مشرکین، فتوای قتل سلمان رشدی، شعار محو اسرائیل و مبارزه با شرک و کفر در سراسر عالم، روی دو اصل تولی و تبری به عنوان یکی دیگر از راهبردهای مقابله با نظام سلطه تأکید زیادی داشتند. ایشان در هر شرایط مناسبی به روشنگری می‌پرداخت و اهداف شوم دشمنان را برملا می‌ساخت. چنان که به مناسبت پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در سال ۱۳۶۷ در بخش‌هایی از پیام خود مسلمانان را به پاسداری از ارزش‌های متعالی توصیه کرده و تصمیم شیطنی دشمن را نسبت به غارت ارزش‌های اسلامی گوشزد نموده و فرمودند:

نکته مهمی که همه ما باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم، این است که دشمنان ما و جهان‌خواران تا کی و تا کجا ما را تحمل می‌کنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند. به یقین آنان مرزی جز عدول از همه هویت‌ها و ارزش‌های معنوی و الهی‌مان نمی‌شناسند. به گفته قرآن کریم، هرگز دست از مقاتله و ستیز با شما بر نمی‌دارند، مگر اینکه شما را از دین‌تان برگردانند. ما چه بخواهیم و چه نخواهیم صهیونیست‌ها و آمریکا و شوروی در تعقیب‌مان خواهند بود تا هویت دینی و شرافت مکتبی‌مان را لکه دار نمایند (...). ما باید خود را آماده کنیم تا در برابر جبهه متحد شرق و غرب، جبهه قدرتمند اسلامی - انسانی با همان نام و نشان اسلام و انقلاب ما تشکیل شود، و آقایی و سروری محرومین و پابرهنگان جهان جشن گرفته شود. (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۲۱ / ۹۰)

دو. راهبردهای سیاسی و اجتماعی

الف) حفظ اتحاد و همبستگی

یکی از راهبردهای مهم در حوزه سیاسی و اجتماعی برای مقابله با نظام سلطه که اسلام بسیار بر آن سفارش کرده است، حفظ اتحاد و همبستگی و دوری از تفرقه و جدایی است. (آل عمران / ۱۰۳) چراکه از جمله عواقب سوء تفرقه و اختلاف، به هدر رفتن نیروها و از دست دادن عزت، آسایش و استقلال است: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ، وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ». (انفال / ۴۶) از جمله نقش‌های اهریمنی که استعمارگران در طول تاریخ تعقیب می‌کردند، سیاست تفرقه بینداز و حکومت کن بود. آنان با ایجاد اختلاف میان کشورهای اسلامی، ملت‌های اسلامی و برادرهای مسلم، (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۱۳ / ۱۳۲) و تقویت جنبش‌های ناسیونالیستی و قرار دادن فرقه‌ای مقابل فرقه‌ای دیگر، از وحدت ملت‌ها ممانعت به عمل می‌آورند. چراکه وحدت مردم تهدیدی جدی در مقابل برتری‌طلبی‌های آنها به‌شمار می‌آید. حضرت امام، با آگاهی و شناخت از این کید دشمن، در جمع دیپلمات‌های نیکاراگوئه به تاریخ ۱۳۶۲/۲/۲۰ امت اسلامی را به حفظ این راهبرد (همان: ۱۷ / ۴۲۹) دعوت نمودند:

امیدوارم که مسلمین و ملت‌های اسلامی همان‌طور که دستور اسلام و قرآن مجید است، با هم برادر باشند و نسبت به دشمنان انسانیت، کشورهای اسلام با شدت و قدرت رفتار کنند. و این حاصل نمی‌شود الا به اینکه از اختلافات جزئی که بین دولت‌ها هست دست بردارند و مثل برادر هم باشند. این اختلافات موجب بهره‌برداری دشمن‌های اسلام و مسلمین است. باید از این بهره‌برداری جلوگیری بشود به وحدت اسلامی و اینکه همه در تحت لوای اسلام و قرآن مجید مجتمع بشوند، زیرا آن‌طور که قرآن دستور داده است رحماء بینهم و اشداء بر کفار باشد. (همان: ۹ / ۲۷۳)

ب) دعوت به قیام

امام راحل همانند انبیاء عظام و امامان معصوم علیهم‌السلام که مردم را به قیام همه‌جانبه علیه دستگاه استبداد و ستمگر دعوت می‌کردند، ملت‌های اسلامی و غیراسلامی را به عدم سکوت در مقابل حکومت‌های دست‌نشانده و زورگو و قدرت‌های سلطه‌گر که مشغول چپاول و غارت منابع و معادن طبیعی و ذخایر ملی ملل اسلامی و مستضعف هستند، فرا می‌خوانند و با تأکید بر آیه شریفه «قُلْ إِنَّمَا أَعْطُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفُرَادَى» (سبأ / ۴۶) تنها راه احقاق حق را قیام لله ذکر کرده و فرمودند:

ما در عصری زندگی می‌کنیم که مقدرات ملت‌های در بند مظلوم، به دست مشتی جنایت‌پیشه که خوی سبعت بر آنان غالب است می‌باشد ... ما در عصری هستیم که

جنایتکاران به جای توبیخ و تأدیب، تحسین و تأیید می‌شوند و ما در عصری به سر می‌بریم که سازمان‌های به اصطلاح حقوق بشر، نگهبان منافع ظالمانه ابر جنایتکاران و مدافع ستمکاری آنان و بستگان آنان هستند. ما در منطقه‌ای به زندگی مرگبار خود ادامه می‌دهیم که اکثر حکام آن چشم‌وگوش بسته تحت فرمان آمریکا، به جنایات اسراییل و حزب بعث عراق مشروعیت می‌دهند و در هدم اسلام و قرآن کریم کوشش می‌کنند. ما در محیطی گذران می‌کنیم که مظلومان که جرمی جز دفاع از حق ندارند، زیر چکمه ستمگران خرد می‌شوند ... اکنون در این دنیای مسموم که نفس کشیدن در آن مرگ تدریجی است، تکلیف ملت‌های دربند این ابرقدرت‌ها و انگل‌های آنان چیست؟ باید بنشینند و این صحنه‌های جنایتکار را تماشا کنند و با سکوت مجال دهند که دنیا در آتش بسوزد؟ (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۱۷ / ۵۰۰) (بنابراین) ای ملت‌های مسلم! ای ملت‌های مظلوم همه کشورهای اسلامی! ... بیدار بشوید، برخیزید از جا، ای مستضعفین جهان! برخیزید و در مقابل ابرقدرت‌ها بایستید که اگر ایستادید اینها هیچ کاری نمی‌توانند بکنند. (همان: ۱۶ / ۳۸ - ۳۷)

ج) نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری

شاید در قرآن کریم پس از موضوع جهاد در سیاست خارجی دولت اسلامی، بر هیچ مسئله سیاسی دیگری نظیر نفی ولایت غیرمسلمانان بر مسلمان تأکید نشده باشد. این، اصلی مهم و حاکم بر سیاست و روابط خارجی دولت اسلامی با غیرمسلمانان تلقی می‌شود. التزام به این اصل می‌تواند راه نفوذ و سلطه کفار بر مسلمین و ضربه بر استقلال آنان در ابعاد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی را مسدود نماید. (حقیقت، ۱۳۸۷: ۱۱۸) مهم‌ترین هدف، نهی و نفی دائمی و همیشگی تسلط کفار بر جوامع اسلامی، حفظ عزت و احترام مسلمانان است. اسلام، مسلمانان و جامعه اسلامی، از بالاترین منزلت و عزت نزد خداوند برخوردارند که مسلمانان نباید در روابط و مناسبات اجتماعی، آن را مخدوش سازند. به طوری که خداوند متعال در قرآن کریم عزت مسلمانان و مؤمنان را هم ردیف عزت خود و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قرار داده است. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۱۳۱)

امام راحل ضمن اعلام برنامه مکتب اسلام در این خصوص در دو کلمه با عنوان «لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» (بقره / ۲۷۹) تأکید کردند:

دستور اسلام این است که نه ظلم بکنید نه زیر بار ظلم بروید، انظلام یعنی زیر بار ظلم رفتن از ظلم کمتر نیست، انظلام به خودت ظلم کردن به یک ملت ظلم کردن، ظالم هم از همین قماش، هر دویش در اسلام ممنوع است، نه شما حق دارید به کسی ظلم کنید نه حق دارید که از کسی ظلم بکشید. (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۱۱ / ۲۵۵) (بنابراین) همان طوری که ظلم حرام است، انظلام و تن دادن به ظلم هم حرام است. (همان: ۱۵ / ۱۱۷)

د) بصیرت و هوشیاری

بصیرت، در لغت به معنی بینایی، دانایی، دوراندیشی، و زیرکی است و کسی که عمق مسائل و حوادث را با تیزبینی و زیرکی درک کند و حقایق و واقعیت‌ها را خوب تشخیص دهد، دارای بصیرت است. (جعفری، ۱۳۹۵ (ب): ۸۴) بصیرت هم‌خانواده بصر است. اما تفاوتی که بصیرت با بصر دارد در این است که بصر چشم سر است، درحالی‌که بصیرت چشم دل است. بصیرت به معنای خوب فهمیدن و خوب تشخیص دادن برای حرکت در صراط مستقیم است. (همو، ۱۳۹۲: ۱۸۰) به دیگر سخن، بصیرت عبارت است از نیرویی که انسان در پرتو آن قادر خواهد بود از نشانه‌ها به کنه مطلب و حقیقت پی ببرد. اگر قرار باشد در جامعه اتفاقی بیفتد، انسان بصیر از نشانه‌های آن، آخر کار را قبل از فراهم شدن آن می‌بیند «العاقل یکفیه بالاشاره» زمینه را که دید عاقبت را هم می‌بیند. (گنجی، ۱۳۹۰: ۲۹) قرآن کریم درباره پیغمبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي». (یوسف / ۱۰۸)

از اینکه خداوند به پیامبرش فرموده: «بگو: دعوت من و پیروانم به خداوند یگانه با بینش و بصیرت کامل است»، معلوم می‌شود در انتخاب مسیر زندگی، «بصیرت و بینش» در اولین درجه قرار دارد و کسی که بصیرت لازم را داشته باشد، در مواجهه با حوادث و دنیای پیرامون خود عمق مسائل و حوادث را با تیزبینی و زیرکی درک خواهد کرد و مسیر را اشتباه نخواهد رفت. بنابراین جامعه اسلامی برای رسیدن به تکامل حقیقی باید رفتارش با بصیرت باشد. این چنین است که حضرت امام خطاب به امت اسلامی فرمودند:

باید علما و روشنفکران و محققان به داد اسلام برسند و اسلام را از غربتی که دامن‌گیرش شده است نجات دهند و بیش از این ذلت و حقارت را تحمل نکنند و بت سیادت تحمیلی جهان‌خواران را بشکنند و با بصیرت و سیاست چهره منور و پر اقتدار خود را آشکار سازند. (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۲۰ / ۳۳۸)

ه) سازش‌ناپذیری

در نظام‌های سیاسی و انقلابات، معمولاً عده‌ای برای رسیدن به مطامع ناچیز دست از مبارزات سیاسی و پیکار نظامی شسته و همه آرمان‌ها و اصول را فدای امیال و منافع شخصی یا درون گروهی خود می‌کنند و با تطمیع از میدان به در می‌روند. امام راحل با الهام از اندیشه قرآنی (آل عمران / ۱۴۶) ضمن تقبیح و محکوم کردن روح سازش‌گرانه، آن را ظلم بر بشریت ذکر کرده و قاطعانه اعلام داشته‌اند:

آنهایی که به ما اشکال می‌کنند که شما چرا سازش نمی‌کنید با این قدرت‌های فاسد، آنها از باب اینکه همه چیز را با چشم مادی ملاحظه می‌کنند، با چشم طبیعی حل و

فصل اشیا را می‌کنند. آنها نمی‌دانند که انبیاء خدا چه رویه‌ای داشتند. با ظالم چطور برخورد می‌کردند. یا می‌دانند و خودشان را به کوری و کوری زدند. سازش با ظالم، ظلم بر مظلومین است؛ سازش با ابرقدرت‌ها، ظلم بر بشر است. آنهایی که به ما می‌گویند سازش کنید، آنها یا جاهل هستند یا مزدور، سازش با ظالم؛ یعنی اینکه دست ظالم را باز کن تا ظلم کند، این خلاف رأی تمام انبیاست. انبیاء عظام، تا آنجا که توانستند جدیت کردند که ظلم را از این بشر ظالم بزایند. (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۱۸ / ۵۰۰)

(بنابراین) ما و شما (خطاب به گروهی از اعضای جنبش امل لبنان) و هر مسلمانی مکلف است در مقابل آنها بایستد و سازش نکند. (همان: ۱۵ / ۳۴۰)

سه. راهبردهای فرهنگی و اقتصادی

الف) تکیه به فرهنگ اصیل اسلامی

فرهنگ عبارت است از هر آنچه در جامعه معین کسب می‌کنیم، می‌آموزیم و می‌توانیم انتقال دهیم. در فرهنگ، مجموع حیات اجتماعی از زیربناهای فنی و سازمان‌های نهادی گرفته تا اشکال و صور بیان حیات روانی، مطمع نظر قرار می‌گیرند و تمامی آنان همچون یک نظم ارزشی تلقی می‌شوند و به گروه، نوعی کیفیت و تعالی انسانی می‌بخشند. (بیرو، ۱۳۶۶: ۷۷) فرهنگ مهم‌ترین عنصر هویت‌ساز در یک جامعه است و اساساً شناخت هویت یک ملت بدون شناخت فرهنگ آن امکان‌پذیر نیست. از این رو، تقویت همه‌جانبه این عنصر مهم و ارزشمند و بسط و گسترش آن موجب آگاهی و بیداری ملت و عدم نفوذ و رخنه فرهنگ نظام سلطه بر سیستم سیاسی خواهد شد:

آن چیزی که وظیفه همه مسلمین هست، این است که هشدار بدهند به این ممالک اسلامی که ما خودمان فرهنگ داریم، ما خودمان فرهنگ غنی داریم، فرهنگ ما طوری بوده است که فرهنگ ما صادر شده است به خارج، که آنها گرفتند از ما ... اسلام همه چیز برای مسلمین آورده است همه چیز قرآن در آن همه چیز است. لکن مع الاسف ما استفاده از آن نکرده‌ایم و مسلمین مهجورش کردند. یعنی استفاده‌ای که باید مردم را توجه داد، گرایش داد به اسلام و قرآن ... مسلمان‌ها باید خودشان را پیدا کنند، یعنی بفهمند که خودشان یک فرهنگی دارند، خودشان یک کشوری دارند، خودشان یک شخصیتی دارند. (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۱۲ / ۳۲۰)

ب) رهایی از وابستگی‌های فکری و اقتصادی

از جمله نقشه‌های قدرت‌های استکباری که تأثیر زیادی در کشورهای اسلامی گذاشته و آثار آن تا حد زیادی بر جای مانده، از خودباختگی است. سلطه‌گران برای تأمین مقاصد شوم خود و زیر سلطه بردن

کشورهای ضعیف؛ فرهنگ و آداب و رسوم مذهبی آن کشورها را به سخره گرفته تا آنها را از خود بی خود نمایند و به آنها القا می کنند که هیچ نیستند و هر چه هست غرب است، در نتیجه بایستی برای تداوم حیات خود دستشان را به سوی غرب دراز کنند. در واقع، با این روش، نظام سلطه در پی آن هست تا شخصیت و استقلال فکری را از ملت های تحت ستم برباید، به طوری که فرهنگ و قدرت خویش را به هیچ گرفته و غرب و شرق را نژاد برتر و فرهنگ آنان را والاتر و آنها را قبله عالم بدانند. (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۲۱ / ۴۱۴) امام راحل خودباختگی را سرمنشأ همه گرفتاری ها و بدبختی ها معرفی نموده و کسب روحیه خودباوری و اعتماد به نفس را تنها راه رهایی از آن گرفتاری ها بر شمردند:

تا این وابستگی مغزی و فکری از بین نرود، رشد حقیقی پیدا نمی شود و شما نمی توانید مستقل بشوید، شما اگر بخواهید از همه وابستگی ها خارج شوید، اول این وابستگی مغزی را، قلبی را کنار بگذارید. (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۱۲ / ۶) (نتیجه آن خواهد شد که) مغزها به راه می افتد و متخصص در هر رشته ای پیدا می شود و بازوهایی که هر عملی را می توانند انجام بدهند به کار می افتند ... عمده این است که ما باور کنیم که خودمان می توانیم. (همان: ۱۴ / ۱۱۵) (بنابراین) شما حالا باید از اول شروع کنید و قصدتان بر این باشد که خودتان مستقل در همه چیز باشید. در فرهنگ مستقل باشید در صنعت مستقل باشید. در زراعت مستقل باشید. وقتی که بنای بر این معنا گذاشتید و با این عزم وارد میدان شدید می توانید که کشور خودتان را نجات بدهید و کشور خودتان را مستقل کنید و بیمه کنید استقلال کشور خودتان را برای همیشه. (همان: ۱۴ / ۲۴۶)

ج) الگوگیری از انقلاب اسلامی ایران

انقلاب اسلامی ایران که با مبارزات مستمر و تاریخی مردم به رهبری حضرت امام خمینی با الهام از مکتب اسلام، علیه حکومت وابسته محمدرضا پهلوی و حامیان غربی آن و به ویژه آمریکا از سال ۱۳۴۲ آغاز، و در ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ به پیروزی رسید، نشان داد که تنها مکتبی است که می تواند مردم را از زیر سلطه غرب و شرق خارج کند. از آنجایی که انقلاب اسلامی ایران بنا به فرمایش امام راحل تحفه الهی و هدیه غیبی است که از سوی خداوند منان به این مردم مظلوم عنایت شده است، پس قادر خواهد بود با دستاوردهایی که کسب کرده، راه سعادت و سربلندی همه مسلمانان و مستضعفان جهان را نشان دهد و الگویی برای ملل اسلامی و مستضعف جهان باشد. حاکمیت اسلام ناب محمدی ﷺ، نفی مظاهر فرهنگی غرب، کسب استقلال و آزادی، نفی سلطه گری و در هم شکستن حکومت جائر و وابسته از جمله

این دستاوردها است: «ملت‌های مسلمان از فداکاری مجاهدین ما در راه استقلال و آزادی و اهداف توسعه اسلام بزرگ الگو بگیرند و با پیوستن به هم، سد استعمار و استثمار را بشکنند، پیش به سوی آزادی و زندگی انسانی بروند». (همان: ۱۰ / ۴۲۰)

چهار. راهبردهای دفاعی

الف) حاکمیت تفکر بسیجی

بسیج تعبیر خیل عظیم مؤمنین در آیه شریفه «هُوَ الَّذِي آتَاكَ بِبَصَرِهِ وَيَا لَئِيمٍ الْمُؤْمِنِينَ» (انفال / ۶۲) است که در قامت شجره طیبه و درختی تناور و پر ثمر جلوه‌گر شد. بسیج که به لطف انفاس قدسی امام راحل در دایره‌المعارف انقلاب اسلامی جای گرفت؛ زمانی به وجود آمد که اصل انقلاب و استقرار نظام جمهوری اسلامی در معرض تهدید قرار داشت و این تهدیدها محدود در عرصه‌های نظامی نبود، بلکه تهدیدها و خطرهای همه‌جانبه بود. از این رو، حضرت امام با طراحی مدلی به نام تفکر و فرهنگ بسیجی توانستند در میادین گوناگون در مقابل تهدیدات سخت و نرم دشمن به پیروزی برسند.

تفکر بسیجی به مفهوم عام آن، پدیده‌ای نوظهور در انقلاب اسلامی نیست؛ بلکه اساساً به صدر اسلام و تشکیل حکومت دینی توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر می‌گردد، زیرا پی‌ریزی حکومت اسلامی و گسترش آن، مرهون دلاوری مردانی است که با همه وجود در ولایت ذوب شدند و در راه تعالی اسلام و احکام نورانی آن، از هیچ تلاشی مضایقه نمی‌کردند. (منصوری لاریجانی، ۱۳۷۷: ۱۹۵) از این رو، یکی از راهبردهای مهم برای امت اسلامی در مواجهه با نظام سلطه وجود تفکر و فرهنگ بسیجی در کشورشان است، زیرا:

تفکر بسیجی ترکیبی است از ایمان عمیق، تلاش مخلصانه، هشیاری در شناخت دشمن، گذشت و ایثار در برابر دوست، و ایستادگی و مقاومت شجاعانه و خستگی‌ناپذیر ... (پیام مقام معظم رهبری به پنجمین گردهمایی بسیج دانشجویی، ۱۳۷۷/۰۷/۱۴) و فرهنگ بسیجی یعنی آن مجموعه معرفت‌ها و روش‌ها و منش‌هایی که می‌تواند مجموعه‌های عظیمی را در ملت به وجود بیاورد که تضمین‌کننده حرکت مستقیم و پایدار اسلامی آن ملت باشند. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اقشار نمونه‌ی بسیج سراسر کشور، ۱۳۹۰/۰۹/۰۶) در واقع، اگر فرهنگ و تفکر بسیجی در جامعه اسلامی حاکم باشد، امنیت همه‌جانبه تحقق خواهد یافت و چشم و طمع دشمنان و جهان‌خواران از آن دور خواهد گردید. (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۲۱ / ۱۹۵)

ب) تشکیل هسته‌های مقاومت در جهان

ساختار نظام جهانی در واقع تسلط ظالم بر مظلوم در تمامی ابعاد آن اعم از اقتصادی، سیاسی، فرهنگی،

نظامی و اجتماعی می‌باشد، از این رو، نظام حاکم بر روابط بین‌المللی یک رابطه ظالمانه، زورگویانه و غیرانسانی است. ملل مسلمان و مستضعف در چنین جهانی اسیر و گرفتار ظلم و تحت سلطه ظالمین و استکبار جهانی بوده و در بدبختی و مشکلات به سر می‌برند. در این راستا امام راحل ضمن دعوت از ملل اسلامی و مستضعف مبنی بر تحمل هرگونه مرارت و سختی، و بسیج همه توانمندی‌های بالفعل برای بی‌نیاز کردن جامعه از بیگانگان و اکتفا به توانایی‌های خویش، برای برهم زدن تعادل قوا در جهان، استراتژی آزادسازی انرژی متراکم جهان اسلام را ارائه نموده و فرمودند:

ما با اعلام برائت از مشرکین تصمیم بر آزادی انرژی متراکم جهان اسلام داشته و داریم، به یاری خداوند بزرگ و با دست فرزندان قرآن روزی این کار صورت خواهد گرفت. (همان: ۲۱ / ۸۰) مسلمانان تمامی کشورهای جهان! از آنجاکه شما در سلطه بیگانگان گرفتار مرگ تدریجی شده‌اید باید بر وحشت از مرگ غلبه کنید و از وجود جوانان پرشور و شهادت‌طلبی که حاضرند خطوط جبهه کفر را بشکنند استفاده نمایید. (همان: ۲۱ / ۸۲) مسلمانان باید بدانند تا زمانی که تعادل قوا در جهان به نفع آنان برقرار نشود، همیشه منافع بیگانگان بر منافع آنان مقدم می‌شود. و هر روز شیطان بزرگ (آمریکا) یا شوروی به بهانه حفظ منافع خود حادثه‌ای را به وجود می‌آورند. (همان: ۲۱ / ۸۳)

بنابراین راه مقابله با نظام سلطه و بر هم زدن تعادل قوا در جهان به منظور فتح سنگرهای کلیدی، ایجاد هسته‌های مقاومت در سراسر دنیا است:

باید بسیجیان جهان اسلام در فکر ایجاد حکومت بزرگ اسلامی باشند و این شدنی است، چراکه بسیج تنها منحصر به ایران اسلامی نیست، باید هسته‌های مقاومت را در تمامی جهان به وجود آورد در مقابل شرق و غرب ایستاد. (همان: ۲۱ / ۱۹۵)

نتیجه

قدرت‌های استعماری همواره در طول تاریخ در پی سلطه بر جوامع بشری بوده‌اند و ویژگی‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی قلمرو پهناور سرزمین‌های اسلامی، باعث طمع بیشتر زورمداران گشته و تلاش گسترده آنان را جهت حضور در این مناطق موجب شده است.

امام خمینی که مبارزات اسلامی خود را علیه رژیم پهلوی از دهه ۴۰ آغاز کرده بود، رسماً رویارویی خود را با وجود تهدیدات گوناگون، علیه آمریکا به‌عنوان مصداق واقعی نظام سلطه، شروع نموده و در مدت بیش از ۳۰ سال مبارزه علیه استکبار جهانی با بینش عمیق و بصیرت در برابر هرگونه توطئه و دسیسه آمریکا و ایادی آن قد برافراشت و مسلمانان و مستضعفان جهان را با فریاد بیدار باش به هوشیاری و مقابله با آن

دعوت کرد. آن حضرت، به ملت‌های مسلمان سراسر دنیا نشان داد که زندگی شرافتمدانه و عزتمدانه، تنها در سایه ایمان و باور به وعده‌های الهی و حفظ اتحاد و انسجام مردمی و مقابله با استکبار به دست خواهد آمد و برای مقابله با نظام سلطه راهی جز این نیست که زمینه‌های نفوذ و قدرت آنان را از بین برده و راه‌های سلطه را سد کرد. در این راستا، امت اسلامی با تکیه بر اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و بهره‌گیری از امور معنوی شامل ایمان و توکل به خدا و استقامت و پایداری در هدف، کشف ظرفیت‌های ملی و اتکا به نیروهای درونی، هم‌بستگی و اتحاد همراه با بصیرت و هوشیاری، عدم وابستگی به قدرت‌های بیگانه، حفظ فرهنگ اصیل اسلامی و باورهای دینی، نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری و اهتمام در تشکیل هسته‌های مقاومت، می‌توان از یوغ نظام سلطه گسسته و استقلال واقعی خود را تأمین کرد. (شکل شماره ۳) اما آن چیزی که در مقابله با نظام سلطه از همه مهم‌تر است، شناخت توطئه‌ها و نقشه‌های شوم شیطانی نظام سلطه است. آن‌گونه که مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای (مدظله العالی) فرمودند:

نظام سلطه را با تمام ابعاد و لایه‌هایش بشناسید و اهداف و راهبردهای واقعی آن را تجزیه و تحلیل کنید و برای رویارویی با آن تمام ظرفیت‌های خودتان را بکار گیرید و در این مسیر به وعده‌های خداوند اطمینان داشته باشید. (پیام شفاهی به تشکل‌های دانشجویی انقلابی، ۱۳۹۲/۱۱/۲۳)

شاخص	راهبرد	راهبردها و شاخص‌های مقابله با نظام سلطه
ایمان به خدا توکل به خدا تولی و تبری	راهبرد معنوی	
حفظ اتحاد و همبستگی دعوت به قیام نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری بصیرت و هوشیاری سازش‌ناپذیری	راهبرد سیاسی و اجتماعی	
تکیه به فرهنگ اصیل اسلامی رهایی از وابستگی‌های فکری الگوگیری از انقلاب اسلامی	راهبرد فرهنگی و اقتصادی	
حاکمیت تفکر بسیجی تشکیل هسته‌های مقاومت در جهان	راهبرد دفاعی	

شکل شماره ۳: راهبردها و شاخص‌های مقابله با نظام سلطه

منابع و مأخذ

۱. قرآن مجید.
۲. امام خمینی، روح الله، ۱۳۷۳، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۳. _____، ۱۳۷۴، شرح چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۴. _____، ۱۳۷۸، صحیفه امام: مجموعه سخنرانی‌ها و پیام‌های حضرت امام خمینی، سایت روح الله، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی.
۵. بیرو، آلن، ۱۳۶۶، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران، انتشارات کیهان.
۶. جعفری، سید اصغر، ۱۳۹۲، فاطمه الگویی برتر، تهران، اشجع.
۷. _____، ۱۳۹۵ (الف)، «نقش امام خمینی در شکل‌گیری قطب قدرت اسلامی»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، س پنجم، ش ۱۸.
۸. _____، ۱۳۹۵ (ب)، «عوامل مؤثر در حفظ و توسعه ارزش‌ها مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، س ششم، ش ۱۸.
۹. حقیقت، سید صادق، ۱۳۸۷، مبانی اندیشه سیاسی اسلام، تهران، سمت.
۱۰. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، ۱۳۸۸، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، سمت.
۱۱. رحمتی، رضا، ۱۳۹۴، عقلانیت‌کنشگری و مفهوم سلطه، برگرفته از پایگاه اطلاع‌رسانی برهان، <http://www.borhan.ir>.
۱۲. عبداللهی، محسن و فاطمه کیهانلو، ۱۳۸۴، سرکوب تروریسم در حقوق بین‌الملل، تهران، اداره انتشارات ریاست جمهوری.
۱۳. علی‌بابایی، غلامرضا، ۱۳۸۸، فرهنگ روابط بین‌الملل، تهران، چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۱۴. گنجی، امید، ۱۳۹۰، براق بصیرت، قم، شمیم قلم.
۱۵. محمدی، منوچهر، ۱۳۸۶، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۶. _____، ۱۳۸۷، «برخورد تمدن‌ها یا برخورد با نظام سلطه»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، س سیزدهم، ش ۲.
۱۷. منصوری لاریجانی، اسماعیل، ۱۳۷۷، سیری در اندیشه دفاعی حضرت امام خمینی، تهران، بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس.
۱۸. هاشمی، سید محمد، ۱۳۷۴، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج اول، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.

۱۹. الهی، همایون، ۱۳۶۷، *امپریالیسم و عقب ماندگی*، تهران، انتشارات اندیشه.
20. Joseph S.Nye, 2004, *Power in the Global Information Age; From Realism to Globalisation*, Routledge.
21. *Oxford Advanced Learners Dictionary*, 1997, Fifth ED.
22. <http://www.leader.ir>. (بیانات و پیام‌های مقام معظم رهبری در دیدارهای مختلف)
23. <http://farsi.rouhollah.ir>. (صحیفه امام: مجموعه سخنرانی‌ها و پیام‌های حضرت امام خمینی)

